

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف
۰۵ اپریل ۲۰۲۲

جنگ اوکراین از نگاه چینی‌ها دیدگاه چین در قبال سیاست بین‌الملل (۳)

فهرست مطالب

هم مقدمه و هم پی‌نوشت ...

صلح را گرامی بداریم، با هم در اتحاد کار کنیم و یک آینده برد-برد را برای آسیا-اقیانوسیه دنبال کنیم
جنگ، ریسک و روابط ..

سرمقاله گلوبال تایمز: امریکا نمی‌تواند انتظار داشته باشد که چین تحت سرکوبش همکاری کند
نتایج احتمالی جنگ روسیه و اوکراین و انتخاب چین ..

"انزوای" باشکوه در جنگی درون اروپا

متهم ساختن چین در نزاع روسیه و اوکراین، مُهمَل و مضحک است ...

روابط چین-روسیه مهم‌ترین دارایی ستراتیژیک است که با تحریک امریکا نمی‌تواند آسیب ببیند .

مردم چین کوچک‌ترین تحولات در رویارویی روسیه- امریکا را دنبال می‌کنند .

هماهنگی دو سوی اقیانوس اطلس در قبال چین؟ .

معضل دوگانه امنیت

نویسنده: شیائو بین

جنگ، ریسک و روابط

[توضیح: شیائو بین معاون دبیرکل مرکز مطالعات سازمان همکاری شانگهای است. وی همچنین متخصص وابسته به

شورای هماهنگی ستراتیژیک چین و روسیه است. این مطلب ۱۷ مارچ ۲۰۲۲ نوشته شده است.]

جنگ‌هایی که قدرت‌های بزرگ را درگیر می‌کند، همواره به نظم بین‌المللی شوک‌های بزرگی وارد می‌کند و روابط

بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در یک نظام بین‌المللی فاقد توازن قدرت، قدرت‌های بزرگ ممکن است

براحتی واکنش بیش از حد نشان دهند و در پاسخ به فشارهای سیستماتیک، به جنگ‌های پیشگیرانه متوسل شوند. [این

نویسنده در یادداشت دیگری که پیش از حمله نظامی روسیه به اوکراین نوشته شده، جنگ احتمالی روسیه با اوکراین را "جنگ پیشگیرانه" می‌نامد. او می‌نویسد: «روسیه، اوکراین را به عنوان یک منطقه حائل ستراتیژیک در نظر گرفته که به منافع امنیت ملی روسیه مربوط می‌شود و این کشور، هرگز گسترش ناتو تحت رهبری ایالات متحده به اوکراین را نخواهد پذیرفت. زیگنیو برژینسکی محقق امریکائی زمانی گفته بود که بدون اوکراین، روسیه دیگر یک امپراتوری اوراسیائی نخواهد بود... روسیه، در حالی که دومین قدرت بزرگ نظامی در جهان است، به لحاظ داخلی آسیب‌پذیر است و این آسیب‌پذیری تحت تحریم‌های اعمال شده توسط کشورهای غربی در حال افزایش است... آسیب‌پذیری‌های داخلی و خارجی در هم‌تنیده، احساس ناامنی روسیه را در نظام بین‌المللی کنونی تشدید می‌کند. در پاسخ به گسترش و بسط غرب به جمهوری‌های شوروی سابق و روس‌زدائی در جریان در این جمهوری‌ها، روسیه یک ستراتیژی دیپلماتیک تهاجمی را با هدف سیاسی ایجاد یک منطقه حائل ستراتیژیک برای حفاظت از امنیت ملی این کشور دنبال کرده است. جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸، بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و درگیری اخیر نیروهای سازمان پیمان امنیت جمعی در ناآرامی‌های قزاقستان، همگی در این شرایط خاص اتفاق افتاد.»

از منظر بدبینانه، صرف‌نظر از این که جنگ روسیه و اوکراین چگونه به پایان می‌رسد، این جنگ نظم بین‌المللی را وارد یک "صلح سرد" طولانی‌مدت خواهد کرد، که در آن، ایالات متحده و متحدان آن در ناتو، ناگزیر به مقابله با روسیه ادامه خواهند داد. از منظر خوش‌بینانه، با این احتمال که روسیه و ملت‌های غربی روابط خود را ترمیم خواهند کرد، نظم بین‌المللی به وضعیت "صلح متلاطم" باز خواهد گشت، هرچند احتمال این سناریو اندک است.

روسیه دارای ذخایر عظیمی از سوخت‌های فسیلی و منابع معدنی است که کشورهای غربی به آن نیاز دارند، در حالی که کشورهای غربی سرمایه، فناوری و بازارهای مورد نیاز روسیه را دارند. چه صلح سرد روی دهد و چه صلح متلاطم، نتیجه جنگ اوکراین، تأثیر بسیار گسترده‌ای بر روابط خارجی چین، به‌ویژه روابط بین چین و روسیه خواهد داشت.

در مواجهه با یک نظام بین‌المللی که خصیصه آن عدم توازن قدرت است، شراکت و همکاری جامع تراتژیکی چین و روسیه، شاهد رشد سریعی در دهه گذشته بوده است. سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه گفته است که روابط روسیه و چین فراتر از اتحادهای سنتی نظامی-سیاسی است، و همتای چینی او هم گفته که روابط چین و روسیه یکی از روابط کلیدی جهان است.

با توجه به اقدامات مستمر غرب برای سرکوب چین و مداخله در امور داخلی آن، روابط چین و روسیه به‌طور فزاینده‌ای در ستراتیژی [سیاست] خارجی چین برجسته شده است و بر رفتار دیپلماتیک چین و همچنین افکار عمومی داخلی در سطوح جهانی، منطقه‌ئی و دولتی تأثیر گذاشته است.

با این حال، رابطه با روسیه، تنها رابطه چین با کشورهای بزرگ نیست. سیر تحول روابط چین و روسیه اغلب تحت تأثیر روابط با طرفی ثالث است. به طور خلاصه، در یک فضای زمانی معین، روابط مساعد چین و روسیه تنها می‌تواند تضمین کند که هیچ تقابل یا منازعه‌ای بین این دو وجود ندارد. روسیه و چین با هم همکاری‌های متقابلاً سودمند دارند، با این حال، چین هیچ راهی ندارد که کنترل کند آیا در روابط با سایر کشورهای بزرگ، [به‌خاطر روابطش با روسیه] منفعی به دست می‌آورد یا با خطراتی روبه‌رو می‌شود.

مهم‌تر از آن، شراکت و همکاری جامع ستراتیژیک چین و روسیه از وضعیت بدون جنگ بیرون آمد. با این حال، در یک وضعیت جنگی، خطراتی از انواع مختلف، بسیار بیشتر از زمانی که صلح حاکم است، وجود دارد. بنابراین، روابط چین و روسیه قطعاً دارای حدی فوقانی است که این حد فوقانی، منافع مردم چین است [به‌منظر می‌رسد نویسنده

در این بخش، نقدی دارد به بیانیه مشترک چین و روسیه که در روز افتتاحیه المپیک زمستانی در چین منتشر شده بود و در آن گفته شده بود که «دوستی دو دولت چین و روسیه، هیچ حدی ندارد و هیچ منطقه ممنوعه‌ای برای همکاری وجود ندارد»]. به عبارت دیگر، روابط محدود به حوزه‌هایی هستند که به آن منافع، آسیب نمی‌رسانند.

جنگ‌ها به پایان می‌رسند، اما هزینه جنگ ممکن است شامل آثار طولانی‌مدت باشد و هیچ راهی برای پیش‌بینی تمام هزینه‌ها وجود ندارد. با این حال، آنچه ما می‌دانیم این است که خرد و حکمت یک کشور پیشرفته در این واقعیت نهفته است که مطمئن شود بدون اذیت کردن سایر کشورها، منافعی به‌دست می‌آورد، در حالی که مانع از این شود که دیگران از ترس، اقدامات آزاردهنده علیه آن انجام دهند. بنابراین، تأمل در مورد روابط چین و روسیه در طول این جنگ بسیار مهم است.

بر اساس تحلیل تغییرات در جنگ روسیه و اوکراین، و همچنین تغییرات احتمالی در سیاست کشورهای بزرگ، من معتقدم دیپلماسی چین باید به جنبه‌های زیر توجه کند و به خوبی در مورد آن‌ها عمل کند:

پرچم سیاست خارجی مستقل مبتنی بر صلح باید همیشه برافراشته نگه داشته شود. تاریخ دیپلماتیک چین و نظریه بازی‌ها هر دو به ما می‌آموزند این‌که به هر رابطه دوجانبه‌ای اجازه داده شود تا بر سیاست خارجی مستقل مبتنی بر صلح غلبه کند، ناگزیر از انعطاف‌پذیری ستراتیژی [سیاست] خارجی [کشور] می‌کاهد و دامنه تصمیم‌گیری دیپلماتیک را محدود می‌سازد.

فشارها بر چین دائماً در درون نظام بین‌المللی دچار تغییر و تحول می‌شود و نیروهای متوازن‌کننده‌ای ممکن است پدیدار شوند که این نظام را به سمت تعادل نسبی متمایل کند. از آنجایی که هر کشور مستقلی ممکن است با هر کشور مستقل دیگری یک اتحاد شکل دهد، این نیروها همیشه عروج و افول می‌کنند. در واقع، هرچه روابط خارجی چین انعطاف‌پذیرتر باشد، ستراتیژی‌های [سیاست] خارجی آن نیز انعطاف‌پذیرتر خواهد بود. بنابراین، مفیدتر خواهد بود که منافع خودمان را چه در "صلح سرد" یا چه در "صلح متلاطم"، حفظ کنیم. بنابراین، ما باید به طور منطقی و معقولانه روابط چین و روسیه را جانمایی کنیم، از برآورد بیش از حد اثرات متوازن‌کننده روابط چین و روسیه در مقابل فشارهای وارده از سوی نظام بین‌المللی خودداری کنیم و برای همه عوامل منفی که ممکن است بر منافع مردم چین تأثیر بگذارد، رویکرد "تسویه و تفریح پویا" را اتخاذ کنیم، به‌نحوی که رابطه با هیچ کشور بزرگی نتواند آن منافع را به گروگان بگیرد.

ساختن یک اقتصاد قوی و فناوری‌های بومی، پیش‌شرط لازم برای پاسخ دادن به فشارهای نظام بین‌المللی است. اقتصاد با کیفیت بالا و قدرت فن‌آورانه، شالوده بقای یک کشور و همچنین تنها راه برای جست و جو یا حفظ موقعیت آن به عنوان یک قدرت بزرگ است.

قدرت نظامی فوق‌العاده می‌تواند در کوتاه‌مدت در حفظ جایگاه یک قدرت بزرگ، مؤثر باشد؛ با این حال، در درازمدت، اگر توانمندی‌های اقتصادی و فن‌آورانه افول کند، قدرت نظامی نیز افول خواهد کرد. بنابراین، چین باید بیاموزد که به طور مداوم خود را در همزیستی رقابتی، توسعه دهد و اطمینان حاصل کند که توانایی‌های اقتصادی، فن‌آورانه و نظامی آن به طور متوازن رشد می‌کند.

سرانجام، تغییرات در نظم بین‌المللی لزوماً به معنای افول قدرت هژمون نیست. این تغییرات، صرفاً نتیجه توسعه چین و سایر ملت‌هاست. چین باید در بحبوحه این تغییرات بیاموزد، همزیستی کند و هم با سایر قدرت‌ها و هم ملت‌های ضعیف‌تر تعامل داشته باشد و یک شهرت ملی مثبت و مترقی برای خود بسازد.

از نظر هانس مورگنتا، سیاستِ پرستیژ یک عامل ضروری در سیاست خارجی مؤثر است. وظیفهٔ سیاستِ پرستیژ یک کشورِ عاقل این است که قدرت خود را نه خیلی زیاد و نه خیلی کم، برای کشورهای دیگر به نمایش بگذارد. امروز، در حالی که هژمونی و هیاهو در مورد [آغاز] یک جنگ سرد جدید در حال تقویت شدن است، چین نه تنها باید اینترناسیونالیسم را ترویج کند، بلکه باید با اقداماتش، عدالت بین‌المللی را حفظ کرده و یک نظم جهانی باثبات و پررونق بسازد.